

# زبان فارسی و گویش های ایرانی

سال چهارم، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره پیاپی ۷

صفحات ۱۱۱-۸۵

## رده‌شناسی ترتیب واژه‌ها در دو گونه غربی و شرقی زبان گیلکی

دکتر فریار اخلاقی<sup>۱</sup>

دکتر پونه مصطفوی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۳/۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۸/۷

### چکیده

گیلکی که از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است، دارای دو گونه شرقی و غربی است که با هم تفاوت‌هایی دارند و در مواردی فهم متقابل را دشوار می‌کند. پژوهش حاضر، در چهارچوب رده‌شناسی زبان، به بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های این دو گونه زبانی از نظر ترتیب واژه‌ها و توالی ارکان جمله و مقایسه آنها پرداخته است. گیلکی رشت نماینده گونه غربی و گیلکی لاهیجان نماینده گونه شرقی در نظر گرفته شده و بیست و چهار مؤلفه ترتیب واژه‌ها در چهارچوب نظری گرین‌برگ (۱۹۶۶) با توجه به مؤلفه‌های همبستگی درایر (۱۹۹۲) و با الگوگیری از دبیرمقدم (۱۳۹۲) جداگانه بررسی و با یکدیگر مقایسه شده است. داده‌های گویشی با مصاحبه مستقیم و ضبط صدای گویشوران گردآوری شده است. یافته‌های پژوهش حاکی است که دو گونه بررسی شده با وجود یکسانی الگوی کلی ترتیب واژه‌ها، در سه مؤلفه با یکدیگر تفاوت‌های جزئی دارند؛ «نوع حرف اضافه»، «توالی صفت و مبنای مقایسه»، و «فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود».

**واژگان کلیدی:** رده‌شناسی، ترتیب واژه‌ها، همبستگی، گیلکی لاهیجان، گیلکی رشت

✉ f.akhlaghi@richt.ir

۱. استادیار رشته زبان‌شناسی همگانی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

۲. استادیار رشته زبان‌شناسی همگانی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

## ۱- مقدمه

گیلکی از شاخه شمال غربی زبان‌های ایرانی است و دو گونه اصلی دارد که یکی در شرق و دیگری در غرب گیلان رایج است و حد فاصل آنها رودخانه سفیدرود است. گونه غربی (بیه‌پس؛ پس‌رود. بیه در گیلکی به معنای رود است.) در شهرهای انزلی، صومعه‌سرا، فومن و رشت به کار می‌رود و گونه شرقی (بیه‌پیش؛ پیش‌رود) در شهرهای لاهیجان، لنگرود و رودسر. این دو گونه در بخش افعال، ساخت زمان‌های فعل و الگوی تکیه تفاوت‌های بنیادینی با یکدیگر دارند که در مواردی فهم متقابل را دشوار می‌کند.

هدف پژوهش حاضر، بررسی تفاوت‌ها و شباهت‌های دو گونه غربی و شرقی گیلکی از نظر ترتیب واژه‌ها و توالی ارکان جمله از منظر رده‌شناسی زبان است. ترتیب واژه‌ها در گیلکی رشت به‌عنوان نماینده گونه غربی و گیلکی لاهیجان به‌عنوان نماینده گونه شرقی، در چهارچوب نظری گرین‌برگ (۱۹۶۶) با در نظر گرفتن مؤلفه‌های همبستگی درایر (۱۹۹۲) و با الگوگیری از دبیرمقدم (۱۳۹۲) بررسی و مقایسه شده‌اند. داده‌های گویشی به شیوه میدانی و با مصاحبه مستقیم و ضبط صدای گویشوران گردآوری شده‌است. در گونه گیلکی رشت، در مواردی برای تأیید یافته‌ها از کتاب‌ها و مجله‌های گیلکی استفاده گردیده‌است.

ترتیب واژه‌ها از عوامل رده‌شناختی مؤثر در گوناگونی زبان‌هاست که هم در سطح بند - برای مثال، ترتیب قرار گرفتن فاعل، فعل و مفعول - و هم در سطح یک گروه نحوی - مثلاً گروه اسمی یا گروه حرف‌افزای - وجود دارد. در ترتیب واژه‌ها می‌توان دو نوع بررسی انجام داد: بررسی ترتیب قرار گرفتن عناصر در کنار هم و ارزیابی مطابقت ترتیب واژه‌ها با همگانی‌های زبانی. محققان زبان‌ها را براساس ترتیب قرار گرفتن فاعل، فعل و مفعول طبقه‌بندی کرده‌اند (درایر، ۲۰۰۷: ۶۱-۶۲). در برخی زبان‌ها، ترتیب واژه‌ها راه تشخیص روابط دستوری در یک بند دانسته شده‌است (گیون، ۲۰۰۱: ۲۳۳).

ترتیب واژه‌ها در سطح بند براساس سه نکته بررسی می‌شود: ترتیب فاعل و فعل؛ ترتیب مفعول و فعل؛ ترتیب فاعل و مفعول (درایر، ۲۰۰۷: ۷۹). به لحاظ منطقی در زبان‌ها شش ترتیب در عناصر یک بند می‌تواند وجود داشته باشد؛ SOV، SVO، VSO، VOS، OVS و OSV. علاوه بر این ممکن است فعل، فاعل و مفعول در درون بند بدون هیچ ترتیبی کنار هم قرار گیرند، یعنی زبان ترتیب واژه آزاد داشته باشد. نمونه‌هایی از تمامی انواع شش‌گانه ترتیب واژه‌ها را می‌توان در زبان‌های دنیا یافت، اما زبان‌هایی که در آنها مفعول در ابتدای جمله قرار می‌گیرد، به‌ندرت یافت می‌شود. ترتیب آزاد در زبان‌ها نیز نظم و قواعدی دارد (درایر، ۲۰۰۵a: ۳۳۰).

زبان‌ها را براساس ترتیب قرار گرفتن عناصر فاعل، فعل و مفعول، به سه دسته تقسیم کرده‌اند. دسته اول زبان‌های فعل‌پایانی‌اند که خود سه نوع‌اند: SOV، OSV و زبان‌هایی که در آنها ترتیب فاعل و مفعول آزاد است. زبان‌های SOV گستردگی بیشتری دارند (درایر، ۲۰۰۷: ۶۱-۶۲). دسته دوم زبان‌های فعل‌آغازین هستند که دو نوع‌اند: VSO و VOS. زبان‌هایی که در آنها فعل بین فاعل و مفعول قرار می‌گیرد، دسته سوم‌اند. در این زبان‌ها فاعل پیش از فعل و مفعول پس از آن قرار می‌گیرد. کاربرد این نوع زبان‌ها از زبان‌های فعل‌آغازین معمول‌تر است، اما از زبان‌های فعل‌پایانی گستردگی کمتری دارند. زبان‌های SVO از نظر ویژگی‌های ترتیب واژه‌ها، بسیار شبیه زبان‌های فعل‌آغازین هستند. ترتیب مفعول و فعل در زبان‌ها از عوامل بسیار مهم است و این ترتیب می‌تواند بر ترتیب واژه‌ها در سطح گروه نیز تأثیرگذار باشد، زیرا در زبان‌های فعل‌آغازین VOS و SVO این نکته مشترک است که مفعول به دنبال فعل می‌آید، به همین دلیل آنها ویژگی‌های مشترک دارند. بنابراین، می‌توان برخی ویژگی‌ها را با توجه به جایگاه مفعول نسبت به فعل پیش‌بینی کرد. زبان‌های مفعول‌آغازین بسیار نادرند، به طوری که نمی‌توان ویژگی‌های این گونه زبان‌ها را پیش‌بینی کرد (همان: ۶۴-۷۱). با توجه به اینکه بین ویژگی‌های زبان‌های فعل‌آغازین و SVO شباهت وجود دارد و همچنین ویژگی‌های زبان‌های مفعول‌آغازین و SOV نیز مشترک هستند می‌توان نتیجه گرفت که براساس جایگاه فعل و مفعول به طور کلی دو گروه زبان داریم: زبان‌های OV در مقابل VO.

در بررسی زبان‌ها منظور از ترتیب فاعل و مفعول، نوع واژگانی آنهاست و نوع ضمیری فاعل و مفعول مدنظر قرار نمی‌گیرد. یعنی گروه اسمی که هسته آن اسم باشد و نه گروه اسمی تشکیل‌شده از یک ضمیر. در برخی زبان‌ها ترتیب قرار گرفتن فاعل و مفعول در حالت واژگانی و ضمیری با هم متفاوت است و علت این تفاوت به دلیل قواعد نحوی یا کاربردشناختی است. درایر (۲۰۰۷: ۸۰) در این زمینه زبان باراسانو<sup>۱</sup>، که در کلمبیا به آن تکلم می‌شود را مثال می‌آورد که برای فاعل واژگانی هم جایگاه پس‌فاعلی و هم جایگاه پیش‌فاعلی دارد اما اگر فاعل به صورت ضمیر باشد، معمولاً آن را بعد از فعل قرار می‌دهد.

فاعل واژگانی می‌تواند پیش یا پس از فعل قرار گیرد. گاهی در برخی زبان‌ها هر دو نوع ترتیب واژه‌ای امکان‌پذیر است. در پاره‌ای از زبان‌ها نیز جایگاه فاعل نسبت به فعل در جمله‌های گذرا و ناگذرا با هم متفاوت است اما در اکثر زبان‌ها فاعل در هر دو نوع جمله

1. Barasano

جایگاه یکسان دارد. زبان‌هایی نیز وجود دارند که از الگوی زبان‌های کنایی (ارگتیو) مطابقت می‌کنند. این گونه زبان‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند؛ گروه اول زبان‌هایی هستند که ترتیب عناصر در آنها به صورت کنایی- فعل- مطلق (ergative-verb-absolutive) یا همان SVO است و در گروه دوم الگوی مطلق- فعل- کنایی (absolutive-verb-ergative) یا OVS وجود دارد. دسته دوم مانند آینه‌ای است در مقابل دسته اول. در برخی زبان‌ها نیز جایگاه فاعل نسبت به فعل بسته به این است که مفعول به صورت واژگانی در جمله حضور دارد یا به صورت ضمیر. در زبان‌هایی هم مانند اسپانیایی، لیتوانیایی و بلغاری ترتیب اصلی واژه‌ها در جمله‌های گذرا به صورت SV است اما در جمله‌های ناگذرا صورت اصلی وجود ندارد و هر دو صورت SV و VS به کار می‌روند (درایر، ۲۰۰۵b: ۳۳۴-۳۳۵).

در ترتیب فعل و مفعول نیز دو صورت OV و VO در زبان‌ها هست. هر یک از این امکان‌ها می‌توانند به تنهایی یا با هم در زبان‌ها دیده شوند. در بعضی از زبان‌ها مثل فرانسه وقتی مفعول ضمیر باشد یا وقتی که صورت واژگانی داشته باشد، جایگاهش نسبت به فعل تفاوت دارد. در آلمانی بود یا نبود فعل کمکی در ترتیب جایگاه مفعول و فعل تأثیر دارد (همان: ۳۳۸). در پژوهش‌ها در زمینه ترتیب واژه‌ها، گاه به همبستگی‌هایی نیز اشاره می‌شود که بین ترتیب رخداد دو سازه نسبت به هم و ترتیب رخداد فعل نسبت به مفعول وجود دارد. به این جفت‌ها، جفت همبستگی<sup>۱</sup> گفته شده است. برای مثال جفت حرف‌اضافه (پیش‌اضافه و پس‌اضافه) و گروه اسمی، جفت همبستگی است زیرا زبان‌هایی که دارای ترتیب «مفعول- فعل» یا OV هستند، تمایل به استفاده از پس‌اضافه و زبان‌هایی که دارای ترتیب «فعل- مفعول» یا VO هستند، تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دارند (درایر، ۱۹۹۲: ۸۷-۸۹).

درباره ترتیب واژه‌ها و نیز جفت‌های همبستگی پژوهش‌های متعددی شده است. در ادامه به دو پژوهش گیلکی در ترتیب واژه‌ها اشاره می‌کنیم و آثاری را که مبنای نظری پژوهش حاضر بوده‌اند در بخش چهارچوب نظری مرور خواهیم کرد.

واحدی لنگرودی (۱۳۸۱) ترتیب اصلی کلمات و چهارده مورد از جفت‌های همبستگی را در یکی از گونه‌های شرقی گیلکی (لنگرودی) بررسی کرده است. پژوهش وی حاکی است که ترتیب زیربنایی و اساسی کلمات در این گویش SOV است و از مجموع ۱۴ جفت همبستگی بررسی شده، ۹ مورد با ترتیب OV و ۵ مورد دیگر با VO همبستگی نشان می‌دهد.

1. correlation pair

چهارسوقی امین (۱۳۹۴) مؤلفه‌های بیست و چهارگانه رده‌شناختی را در گیلکی بیه‌پسی بررسی کرده و نتیجه گرفته‌است که این گونه زبانی ۱۶ مؤلفه از زبان‌های فعل‌پایانی قوی و ۱۶ مؤلفه از زبان‌های فعل‌میانی قوی را دارد. به نظر او شاید بتوان گیلکی بیه‌پسی را در گروه زبان‌های فعل‌پایانی قوی قرار داد که در حال گذار و تغییر به زبان‌های فعل‌میانی قوی است.

## ۲- چهارچوب نظری

از آثار رده‌شناختی پراستناد در موضوع ترتیب واژه‌ها مقاله درایر (۱۹۹۲) است که در آن به مؤلفه‌های ترتیب واژه‌ها در سطح بند و گروه پرداخته‌است. دبیرمقدم (۱۳۹۲) نیز بر پایه این پژوهش، ۲۴ مؤلفه ترتیب واژه‌ها را به طور جامع در ۱۲ زبان ایرانی بررسی کرده‌است. مقاله درایر (۱۹۹۲) و پژوهش دبیرمقدم (۱۳۹۲) چهارچوب نظری مقاله حاضر است.

دبیرمقدم (۲۰۰۱: ۱۷-۲۲) همچنین مؤلفه‌های همبستگی ترتیب واژگانی درایر (۱۹۹۲) را در فارسی امروز، فارسی میانه و فارسی باستان و در زبان‌های گیلکی، مازندرانی و کردی بررسی کرده‌است. به نظر او ترتیب واژه‌ها در زبان فارسی باستان و فارسی میانه آزاد، اما در فارسی امروز دارای قاعده است. علاوه بر این زبان فارسی در مقایسه با زبان‌های اروپایی - آسیایی و زبان‌های جهان، تمایل دارد که جزء زبان‌های فعل‌میانی قوی باشد. دبیرمقدم معتقد است که زبان‌های گیلکی، مازندرانی ترتیب واژه‌ای (SOV) دارند در حالی که زبان کردی دارای ترتیب واژه‌ای (SVO) است.

پیش‌تر اشاره شد که ترتیب واژه‌ها در دو سطح بند و گروه مطالعه می‌شود. ترتیب قرار گرفتن حرف‌اضافه و گروه اسمی در گروه حرف‌اضافه‌ای از موارد مربوط به ترتیب واژه‌ها در سطح گروه است که می‌تواند در بین زبان‌ها تفاوت ایجاد کند. دو نوع حرف‌اضافه وجود دارد؛ پیش‌اضافه<sup>۱</sup> یا پس‌اضافه<sup>۲</sup>. پیش‌اضافه‌ها پیش از گروه اسمی و پس‌اضافه‌ها پس از گروه اسمی قرار می‌گیرند. زبان‌ها یا پیش‌اضافه‌ای هستند یا پس‌اضافه‌ای، در برخی زبان‌ها نیز هر دو نوع حرف‌اضافه کاربرد دارند. پاره‌ای از زبان‌ها علاوه بر دو نوع حرف‌اضافه، دارای میان‌اضافه - حرف‌اضافه درون‌گروه اسمی - هستند اما بسامد این زبان‌ها کم است. زبان‌هایی نیز یافت می‌شوند که حرف‌اضافه ندارند و نقش حروف‌اضافه را وندهای حالت بر روی اسم‌ها ایفا می‌کنند. وندهای حالت و حروف‌اضافه را نشانه‌های حالت می‌نامند. گاهی اسم‌ها و فعل‌ها در زبان‌ها با فرایند دستوری‌شدگی به حرف‌اضافه تبدیل می‌شوند (درایر، ۲۰۰۵: ۳۴۶-۳۴۷).

1. preposition

2. postposition

یکی دیگر از موارد مربوط به ترتیب واژه‌ها در سطح گروه چگونگی قرار گرفتن حالت اضافی و اسم در زبان‌هاست که این دو عنصر به دو صورت NG و GN در کنار هم قرار می‌گیرند. در این گروه نحوی اسم به‌عنوان هسته در نظر گرفته می‌شود. درایر (۲۰۰۵g: ۳۵۰) در قالب جدولی با ارائه آمار از زبان‌ها اشاره می‌کند که در بعضی از زبان‌ها هر دو صورت وجود دارد، مثلاً در زبان انگلیسی در ساخت اضافی John's arm که رابطه دو اسم توسط واژه‌بست «s» بیان می‌شود ترتیب به صورت GN و در The mayor of Paris که حرف‌اضافه of این رابطه را برقرار می‌کند، ترتیب به صورت NG است. به اعتقاد او تعداد زبان‌هایی که در آنها ترتیب واژه‌های GN به کار می‌رود، بیشتر است (همان‌جا). ترتیب قرار گرفتن حالت اضافی و هسته اسمی با ترتیب قرار گرفتن فعل و مفعول ارتباط دارند. یعنی زبان‌های OV تمایل دارند تا ترتیب GN داشته باشند و زبان‌های VO بیشتر NG هستند. زبان‌هایی که ویژگی GN و SOV دارند به همان اندازه زبان‌های NG و SVO مرسوم و معمول‌اند (همان: ۳۵۱).

ترتیب قرار گرفتن صفت و موصوف از موارد دیگری است که در زبان‌ها باعث ایجاد تغییر و تنوع می‌شود. در این ترکیب نیز همانند مورد حالت اضافی و هسته اسمی، دو صورت وجود دارد: AdjN و NAdj. در برخی زبان‌ها هر دو ترتیب وجود دارد. تعداد زبان‌هایی که در آنها صفت پس از اسم قرار می‌گیرد در بیشتر است. صفت‌هایی هم وجود دارند که وابسته اسم نیستند بلکه در نقش محمول یا به عبارتی مسند هستند. مثلاً در زبان انگلیسی در جمله:

1- The boy is tall.

جایگاه tall به‌عنوان محمول پس از اسم است، اما صفت به‌عنوان محمول می‌تواند پیش از اسم قرار گیرد. ترتیب NAdj نسبت به ترتیب AdjN هم در زبان‌های OV و هم در زبان‌های VO معمول‌تر است (درایر، ۲۰۰۵h: ۳۵۴-۳۵۵).

از موارد دیگری که در ترتیب واژه‌ها در سطح گروه بررسی می‌شود، موضوع ترتیب صفت اشاره و اسم است. در بسیاری از زبان‌ها مانند انگلیسی این صفت‌ها به‌عنوان توصیف‌کننده‌های اسم محسوب می‌شوند اما گاه نیز توصیف‌کننده نیستند، چند حالت ممکن است وجود داشته باشد. صفات اشاره به صورت واژه‌هایی مجزا یا به شکل وند در زبان‌ها یافت می‌شوند. این واژه‌های مجزا یا وندها می‌توانند پیش یا پس از اسم قرار گیرند. گروهی دیگر از زبان‌ها هستند که همزمان یک واژه مجزا یا وند را پیش یا پس از اسم قرار می‌دهند. در برخی زبان‌ها پیش از دو راهکار هست. تنوع دیگر زبان‌ها در جایگاه قرار گرفتن صفت اشاره به نزدیک و دور است. در برخی جایگاه صفت‌های اشاره به نزدیک و دور با هم متفاوت است. ترتیب واژه‌ها در اسم و

صفت اشاره در زبان‌ها معمولاً معین و ثابت است، مثلاً حتی در زبان‌هایی که ترتیب واژه‌های آزاد دارند، صفت اشاره و اسم با ترتیب خاصی کنار هم قرار می‌گیرند (درایر، ۲۰۰۵i: ۳۵۸-۳۵۹). درایر (۲۰۰۵j) در مقاله دیگری ترتیب قرار گرفتن اعداد اصلی را در مقایسه با اسمی که آن را توصیف می‌کند بررسی کرده‌است. عدد در زبان‌ها می‌تواند پیش یا پس از اسم یا معدود قرار گیرد. علاوه بر این در زبان‌هایی هر دو ترتیب واژه‌ها وجود دارد. گاهی عدد تنها فعل را توصیف می‌کند. در برخی زبان‌ها نیز ترتیب خاصی برای عدد و معدود وجود ندارد. در برخی اعداد پیش و در برخی پس از اسم قرار می‌گیرند. در زبان‌هایی نیز همراه اسم و عدد یک طبقه‌نما وجود دارد که عدد اسم را توصیف نمی‌کند بلکه توصیف‌کننده طبقه‌نماست. در این حالت، طبقه‌نما هسته واقعی گروه اسمی است و اسم و عدد هر دو وابسته طبقه‌نما (همان: ۳۶۲-۳۶۳). رده‌شناسان به ترتیب قرار گرفتن صفت و قید مقدار<sup>۱</sup> نیز توجه کرده‌اند. قید مقدار واژه‌ای است که صفت را توصیف می‌کند مانند خیلی، کمی و ... سه نوع ترتیب واژه برای صفت و قید مقدار وجود دارد: قید مقدار قبل از صفت قرار می‌گیرد؛ این عناصر پس از صفت واقع می‌شوند؛ در برخی زبان‌ها هر دو نوع ترتیب هست. در برخی زبان‌ها قیدهای مقدار نه به صورت واژه مجزا و مستقل بلکه به شکل وندی هستند که به صفت متصل می‌شوند، مثل *er-est* و *est-* در انگلیسی (درایر، ۲۰۰۵k: ۳۷۰).

جایگاه ادات استفهام در جمله‌های سؤالی از نوع قطبی<sup>۲</sup> (بله-خیر)، در بین زبان‌ها تفاوت ایجاد می‌کند. این عناصر به صورت وند و واژه‌های مستقل به کار می‌روند. گاهی نیز واژه‌بست‌هایی هستند که به این واژه‌های مستقل می‌پیوندند. ادات استفهامی گاهی در ابتدای جمله پرسشی و گاه در انتهای آن قرار می‌گیرد. در برخی زبان‌هایی که ادات استفهام در انتهای جمله قرار می‌گیرد، این گونه ادات به صورت واژه‌بست به انتهای آخرین واژه در جمله می‌پیوندند. نوع سوم، زبان‌هایی هستند که در آنها ادات استفهام در جایگاه دوم در جمله قرار می‌گیرند. در چنین حالتی این سازه‌ها به صورت واژه‌بست به اولین سازه در جمله می‌پیوندند. زبان‌هایی نیز وجود دارند که در آنها ادات استفهام جایگاه مشخصی دارد. این جایگاه، غیر از جایگاه ابتدایی، انتهایی و دومین جایگاه است، مثلاً در برخی زبان‌ها ادات استفهام پس از فاعل واقع می‌شود. در برخی دیگر، بلافاصله بعد از فعل قرار می‌گیرند. نوع پنجم، زبان‌هایی

1. degree word

2. polar

هستند که در آنها قرار گرفتن ادات استفهام در دو جایگاه از جایگاه‌های فوق مثلاً ابتدا و انتها مجاز است (درایر، ۲۰۰۵۱: ۳۷۴).

در زبان‌ها نوعی دیگر از جمله‌های پرسشی وجود دارد که جمله‌های پرسشی محتوایی نام دارد. این جملات پرسشی پرسش‌واژه دارند و پاسخ‌هایی غیر از بله - خیر. پرسش‌واژه‌ها مقوله‌های متفاوتی دارند. برخی ضمیر، قید، صفت و برخی فعل‌اند. پرسش‌واژه‌ها در زبان‌ها دو الگوی اصلی برای جایگاهشان در جمله دارند. در برخی زبان‌ها اجباراً در ابتدای جمله قرار می‌گیرند اما در پاره‌ای از زبان‌ها قرار گرفتن آنها در ابتدای جمله اجباری نیست، مثلاً در بعضی از زبان‌ها پس از فعل قرار می‌گیرند و دارای نقش مفعول هستند که اصطلاحاً به آنها پرسش‌واژه‌های درجا<sup>۱</sup> (in situ) می‌گویند (درایر، ۲۰۰۵m: ۳۷۵).

حرف ربط قیدی که بندهای قیدی را به لحاظ معنایی به بند اصلی وابسته می‌کند، در زبان‌های متفاوت جایگاه‌های یکسان ندارند و همین باعث تفاوت زبان‌ها می‌شود. حروف ربط قیدی که واژه مستقلی هستند، در دستور سنتی پیرونمای قیدی<sup>۲</sup> نامیده می‌شوند. کلماتی مانند زیرا، با این حال، وقتی که، درحالی که و اگر از این نوع‌اند (درایر، ۲۰۰۵n: ۳۸۲).

درایر (۱۹۹۲) در مقاله «همبستگی‌های ترتیب واژه‌گرینبرگی» درباره همبستگی برخی ساخت‌های زبانی و ترتیب فعل با مفعول بررسی‌های رده‌شناختی کرده و در مقاله‌ای دیگر با عنوان «ترتیب واژه» (۲۰۰۷) به این موضوع گسترده‌تر پرداخته‌است.

## ۲-۱- مؤلفه‌های بیست و چهارگانه بررسی شده

۱- نوع حرف اضافه: با توجه به اینکه حرف اضافه پیش یا پس از گروه اسمی قرار گیرد، پیش‌اضافه یا پس‌اضافه نامیده می‌شود. در برخی زبان‌ها پیرااضافه<sup>۳</sup> نیز وجود دارد.

۲- توالی هسته اسمی و بند موصولی: هسته اسمی ممکن است پیش یا پس از بند موصولی قرار گیرد. در برخی زبان‌ها هر دو صورت وجود دارد.

۳- توالی مضاف و مضاف‌الیه: مضاف و مضاف‌الیه هر دو گروه اسمی هستند؛ مضاف، هسته و مضاف‌الیه وابسته است. در برخی زبان‌ها ترتیب این دو به صورت مضاف‌الیه و مضاف است و در برخی ترتیب مضاف و مضاف‌الیه. در زبان‌هایی نیز هر دو ترتیب را به کار می‌گیرند.

1. insitu  
2. subordinator  
3. circumposition



- ۴- توالی صفت و مبنای مقایسه: گاه صفت پیش از مبنای مقایسه قرار می‌گیرد. در صورت دوم صفت پس از مبنای مقایسه واقع می‌شود. در برخی زبان‌ها هر دو صورت یافت می‌شود.
- ۵- توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای: در این مؤلفه، بررسی می‌شود که گروه حرف‌اضافه‌ای پیش از فعل قرار می‌گیرد یا پس از آن.
- ۶- توالی فعل و قید حالت: قید حالت ممکن است پیش یا پس از فعل واقع شود. البته این امکان نیز وجود دارد که هر دو صورت در زبان‌ها به کار رود.
- ۷- توالی فعل اسنادی و گزاره/ مسند: گزاره یا مسند پیش از فعل اسنادی قرار می‌گیرد یا پس از آن یا هر دو صورت در زبان‌ها مجاز است.
- ۸- توالی فعل خواستن و فعل بندپیرو: بندپیرو در یک جمله مرکب که در آن فعل خواستن وجود دارد، ممکن است پس از فعل خواستن قرار گیرد یا پیش از آن.
- ۹- توالی موصوف و صفت: ترتیب قرار گرفتن صفت پیش از موصوف یا پس از آن است.
- ۱۰- توالی صفت اشاره و اسم: در برخی زبان‌ها صفت اشاره پیش از اسم یا پس از آن قرار می‌گیرند. در پاره‌ای از زبان‌ها هم هر دو صورت امکان دارد.
- ۱۱- توالی قید مقدار و صفت: در برخی زبان‌ها این عناصر پیش و در پاره‌ای دیگر پس از صفت قرار می‌گیرند. گاهی نیز هر دو صورت در یک زبان وجود دارد.
- ۱۲- توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود: ممکن است در یک جمله، فعل کمکی پیش یا پس از فعل اصلی قرار بگیرد. گاهی نیز این هر دو انتخاب در یک زبان مجاز است.
- ۱۳- توالی ادات استفهام و جمله: در جمله‌های پرسشی قطبی که پاسخ آنها بله- خیر است، ادات استفهام ممکن است در ابتدای جمله یا انتهای آن قرار گیرد.
- ۱۴- توالی پیرومای بند قیدی/ حرف ربط قیدی و بند: در بندهای قیدی که حرف ربط قیدی دارند، حرف ربط در ابتدای بند یا پس از آن قرار می‌گیرد.
- ۱۵- توالی حرف تعریف و اسم: چگونگی و ترتیب قرار گرفتن حرف تعریف که می‌تواند معرفه‌ساز یا نکره‌ساز باشد، و اسم، از علل تفاوت یا شباهت زبان‌هاست.
- ۱۶- توالی فعل و فاعل: در برخی زبان‌ها جایگاه فاعل همواره ثابت و پیش از فعل است و در برخی دیگر همواره پس از فعل. در زبان‌هایی نیز فاعل در جایگاه ثابت نیست.
- ۱۷- توالی عدد و اسم: در توالی عدد و معدود جایگاه عدد، پیش یا پس از اسم است. در برخی زبان‌ها هر دو صورت نیز هست.

- ۱۸- توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل: وند زمان- نمود در زبان‌ها می‌تواند پیشوند یا پسوند ستاک فعل باشد. گاهی وند زمان در زبان‌ها پیشوند و در برخی دیگر پسوند است. وند نمود نیز می‌تواند مطابق وند زمان باشد یا مستقل از وند زمان عمل کند. به این معنی که هر دو می‌توانند پسوند یا پیشوند باشند. یا به طور مستقل پیشوند یا پسوند واقع شوند.
- ۱۹- توالی اسم و تکواژ ملکی: تکواژ ملکی می‌تواند پیش یا پس از اسم قرار گیرد. این تکواژ می‌تواند به صورت وند یا واژه‌بست باشد.
- ۲۰- توالی فعل اصلی و فعل(های) کمکی در مفهوم توانستن: افعال کمکی در مفهوم توانستن ممکن است در مقایسه با جایگاه فعل اصلی پیش یا پس از آن قرار گیرند.
- ۲۱- توالی متمم‌نما و جمله متمم: اگر بند متممی دارای نشانه یا متمم‌نما باشد، ممکن است در ابتدای بند یا انتهای آن واقع شود.
- ۲۲- حرکت پرسشواژه: پرسشواژه در بند پرسشی گاهی در زبان‌ها در جایگاه خود باقی می‌ماند، اما در برخی زبان‌ها نیز به اجبار و الزاماً باید به ابتدای بند حرکت کند. در پاره‌ای از زبان‌ها نیز هر دو صورت وجود دارد.
- ۲۳- توالی مفعول و فعل: در زبان‌های فعل‌ آغازین مفعول پس از فعل قرار می‌گیرد و در زبان‌های فعل‌ پایانی، مفعول پیش از فعل. در برخی زبان‌ها جایگاه مفعول گاهی بستگی به صورت واژگانی آن دارد، برای مثال اگر مفعول به صورت ضمیر باشد یا یک صورت مستقل واژگانی جایگاه آن تفاوت دارد. مفعول به صورت گروه اسمی یا بند می‌تواند تعیین‌کننده جایگاه آن در مقایسه با فعل باشد.
- ۲۴- توالی وند منفی ساز و ستاک فعل: وند منفی‌ساز در زبان‌ها به صورت پیشوند یا پسوند تظاهر پیدا می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۴-۱۲۷).

### ۳- تحلیل داده‌ها

در این بخش براساس چهارچوب نظری مقاله، داده‌های دو گونه گیلکی مقایسه و تحلیل می‌شوند. برای انجام این مقایسه، رفتار این دو گونه زبانی در هر یک از مؤلفه‌ها به صورت جداگانه بررسی و سپس با یکدیگر مقایسه خواهد شد.

## ۳-۱- حرف‌اضافه

در گیلکی رشت و گیلکی لاهیجان هر دو نوع حرف‌اضافه دیده می‌شود. به گفته استیلو<sup>۱</sup> (۲۰۰۱: ۶۶۲)، زبان گیلکی در اصل تنها پس‌اضافه داشته‌است و پیش‌اضافه‌هایی که در آن کاربرد دارند به مرور زمان از زبان فارسی قرض گرفته شده‌اند و تعداد آنها رو به افزایش است. راستورگویو (۲۰۱۲: ۱۶۹-۱۷۹) در گیلکی رشت حدود بیست‌وپنج پس‌اضافه معرفی کرده‌است. به نظر او، تعداد پیش‌اضافه‌های اصلی در این زبان که همگی در زبان فارسی نیز کاربرد دارند به شش می‌رسد. برای مثال وی به کاربرد حرف‌اضافه «از» به صورت پیش‌اضافه در این گونه اشاره نموده‌است. در برخی موارد نیز، کاربرد هر دو نوع پیش‌اضافه و پس‌اضافه برای یک اسم به طور همزمان گزارش شده‌است (راستارگویو، ۲۰۱۲: ۱۸۳؛ استیلو، ۲۰۰۱: ۶۶۲)، هرچند کاربرد پس‌اضافه در این دو گونه بیشتر است. در ادامه به چند مورد از کاربرد حروف اضافه در داده‌های پیکره پژوهش اشاره می‌شود:

در کاربرد حرف‌اضافه «از» (/pæz/) در دو گونه بررسی شده تفاوت‌هایی هست. در گونه لاهیجان در بیشتر موارد از صورت پیش‌اضافه /pæz/ استفاده شده‌است اما کاربرد پس‌اضافه (dʒi) نیز در همین معنا در گونه فردی یکی از گویشوران لاهیجانی مشاهده شد. همین تنوع کمابیش در گونه رشت نیز مشاهده گردید با این تفاوت که در این گونه، کاربرد پس‌اضافه /dʒæ/ غالب بود و تنها در گونه فردی یکی از گویشوران رشتی پیش‌اضافه /pæz/ دیده شد.

حرف‌اضافه «به» به صورت پس‌اضافه در رشت و لاهیجان معادل یکسانی (/ə/) دارد. حرف‌اضافه «با» (/ba/) نیز به هر دو صورت /ba/ (پیش‌اضافه) و (/hæmræ/) (پس‌اضافه) در گونه لاهیجان مشاهده شد هرچند کاربرد /hæmræ/ غالب بود. داده‌ها در گونه رشت تنها کاربرد /hæmræ/ را نشان دادند.

معادل گیلکی حرف‌اضافه «روی» در هر دو گونه زبانی /sær/ است و به صورت پس‌اضافه به کار می‌رود.

حرف‌اضافه «برای» در دو گونه گیلکی رشت و لاهیجان دو صورت متفاوت دارد و به ترتیب /rə/ و /bə/ است. این دو حرف‌اضافه به صورت پس‌اضافه به کار می‌روند.

1. Stilo, Donald

	گونه رشت	گونه لاهیجان
2	<p>a) ?æli dəftær-ə hæsen-ə djæ fægift گرفت از غیرقاعلی-حسن را-حقتتر علی NP PP</p> <p>b) ?æli dəftær-ə ?æz hæsen fægift گرفت از غیرقاعلی-حسن از را-حقتتر علی PP NP</p>	<p>a) ?æli dəftær-ə ?æz hæsen hæjtə گرفت حسن از را-حقتتر علی PP NP</p> <p>b) ?æli dəftær-ə hæsen-ə dji hæjtə گرفت از غیرقاعلی-حسن را-حقتتر علی NP PP</p>
3	<p>hæsen mɔdɑd-æ mi pijær-ɔ fædæ حسن داد به پدر من را -مداد NP PP</p>	<p>hæsen mɔdɑd-ɔ mi pijær-ɔ hædæ حسن داد به پدر من را -مداد NP PP</p>
4	<p>mærjæm xo dəst-æ tʃavʊ hæmræ یا چاقو را-دست ضمیر ملکی مشترک مریم vævɔ برید NP PP</p>	<p>a)mærjæm xo dəst-æ ba tʃavʊ چاقو یا را-دست ضمیر ملکی مشترک مریم vævɔ/ برید PP NP</p> <p>b)mærjæm xo dəst-æ tʃavʊ چاقو را-دست ضمیر ملکی مشترک مریم hæmræ vævɔ یا برید NP PP</p>
5	<p>ketab mizə sær nəhæ کتاب است روی میز NP PP</p>	<p>ketab mize sær nə کتاب است روی میز NP PP</p>
6	<p>fateme mærjæm-ə re ?ab bæværd فاطمه برای آب آورد غیرقاعلی-مریم PP NP</p>	<p>fateme mærjæm-ə be ?ab bærd-ə فاطمه برای آب آورد غیرقاعلی-مریم NP PP</p>

۲- علی دفتر را از حسن گرفت.

۳- حسن مداد را به پدرم داد.

۴- مریم دستش را با چاقو برید.

۵- کتاب روی میز است.

۶- فاطمه برای مریم آب آورد.

### ۳-۲- توالی هسته اسمی و بند موصولی

در هر دو گونه رشت و لاهیجان ترتیب قرار گرفتن هسته اسمی و بند موصولی به صورتی است که هسته اسمی پیش از بند موصولی قرار می‌گیرد.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
7	<p>ʔu mærd-æj ce ʔotav-ɔ mijon niʃt-e</p> <p>نشسته در رلیط-اتاقی که معرقه-مرد آن</p> <p>NP Rel</p> <p>mi piʒæɾ-ɔ</p> <p>است - پدر من</p>	<p>ʔun mɔrd-i ce ʔutav-ɔ mijon niʃt-e</p> <p>نشسته در رلیط-اتاقی که معرقه-مرد آن</p> <p>NP Rel</p> <p>mi peʔæɾ-ɔ</p> <p>است - پدر من</p>

۷- آن مردی که در اتاق نشسته، پدر من است.

### ۳-۳- توالی مضاف و مضاف‌الیه

داده‌ها حاکی است که در هر دو گونه گیلکی، توالی مضاف و مضاف‌الیه به صورت مضاف‌الیه + مضاف است خواه مضاف‌الیه صورت ضمیری داشته باشد یا غیرضمیری. در هر دو گونه رشت و لاهیجان، رابط ساخت اضافی به شکل /-ə/ است و بر روی مضاف‌الیه تظاهر می‌کند، اما زمانی که مضاف‌الیه صورت ضمیری مختوم به واکه باشد، رابط حذف می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
8	<p>hæsæn-ɔ piʒæɾ</p> <p>پدر هسته‌نما-حسن</p> <p>G N</p>	<p>hæsæn-ɔ peʔæɾ</p> <p>پدر هسته‌نما-حسن</p> <p>G N</p>
9	<p>mi cilid</p> <p>کلید من</p> <p>G N</p>	<p>mi cilid</p> <p>کلید من</p> <p>G N</p>

۸- پدرِ حسن

۹- کلیدِ من

### ۳-۴- توالی صفت و مبنای مقایسه

هر دو گونه رشت و لاهیجان در زمینه توالی صفت و مبنای مقایسه رفتار مشابهی نشان می‌دهند و مبنای مقایسه پیش از صفت قرار می‌گیرد، با این تفاوت که براساس داده‌ها گونه رشت پس‌اضافه /dʒæ/ و گونه لاهیجان پیش‌اضافه /ʔæz/ را به کار برده‌است. در هر دو گونه صورت برتر صفت با پسوند /-təɾ/ (در موارد معدودی -tæɾ) نشان داده می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
10	hæsæn-o dʒæ kutʃic-tər تر-کوتجک از غیرفاعلی حسن St M Adj	ʔæz hæsæn dʒovun-tær ترجوان حسن از M St Adj
11	ʔufæn-o dʒæ kutah-tær/pətʃ-tər تر-کوتاه / تر-کوتاه از غیرفاعلی -آن‌ها St M Adj	ʔæz ʔufæn kuta:-tər تر-کوتاه آن‌ها از M St Adj

۱۰- جوان تر از حسن

۱۱- کوتاه تر از آنها

### ۳-۵- توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای

توالی فعل و گروه حرف‌اضافه‌ای در هر دو گونه، گروه حرف‌اضافه‌ای + فعل است.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
12	ʔæli nan-æ tʃavu hæmræ væve برید یا چاقو را خان علی PP V	ʔæli non-o ba tʃagu bobo برید چاقو یا را خان علی PP V

۱۲- علی نان را با چاقو برید.

### ۳-۶- توالی فعل و قید حالت

تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که هر دو گونه قید حالت را پیش از فعل به کار می‌برند.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
13	ʔun tund do-v-e می‌دود تند او Adv V	ʔu ton do-ʔunæ می‌دود تند او Adv V

۱۳- او تند می‌دود.

### ۳-۷- توالی فعل اسنادی و گزاره/مسند

در گونه لاهیجانی و گونه رشتی، گزاره/مسند پیش از فعل اسنادی قرار می‌گیرد.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
14	ʔu mærd-æj mofændəs-ɔ است - مهندس معرفه - مرد آن Pred Cop	ʔu mɔrd mofændəs-ɔ است - مهندس مرد آن Pred Cop
15	fatəmo vorzeʃkar-ɔ است - ورزشکار فاطمه Pred Cop	fateme vorzəʃkar-ɔ است - ورزشکار فاطمه Pred Cop

۱۴- آن مرد مهندس است.

۱۵- فاطمه ورزشکار است.

### ۳- ۸- توالی فعل خواستن و فعل بندپیرو

فعل خواستن در هر دو گونه پیش از فعل بندپیرو به کار می‌رود. هرچند براساس داده‌های پژوهش حاضر، معادل‌های گویشی فعل «خواستن» در دو گونه متفاوت است.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
16	fatəmo xæ-j-æ bo-xus-ɔ می‌خواهد بخواند فاطمه want V	fatəmo xan-ɔ bo-xus-ɔ می‌خواهد بخواند فاطمه want V

۱۶- فاطمه می‌خواهد بخواند.

### ۳- ۹- توالی موصوف و صفت

داده‌های پژوهش حاکی است که در هر دو گونه، توالی موصوف و صفت به صورت صفت+ موصوف است. رابط ساخت وصفی /-ə/ است و به صفت اضافه می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
17	ʔyələ mærd-æj مرد عاقل Adj N	ʔyələ mærd مرد عاقل Adj N

۱۷- مرد عاقل

### ۳- ۱۰- توالی صفت اشاره و اسم

در دو گونه، دو صفت اشاره «این» و «آن»، پیش از اسم قرار می‌گیرد. از مثال (۱۸) نیز برمی‌آید که صفت اشاره در گیلکی به لحاظ شمار با اسم همراه خود مطابقت نمی‌کند.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
18	ʔæ zæn-æj معرفه‌ساز زن این Dem N	ʔi zæn-æj معرفه‌ساز زن این Dem N
19	ʔu mærd-ækan جمع مرد آن Dem N	ʔu mærd-on جمع مرد آن Dem N

۱۸- این زن

۱۹- آن مردان

## ۳- ۱۱- توالی قید مقدار و صفت

قید مقدار در تمام داده‌های پیکره زبانی پیش از صفت قرار گرفته‌است و توالی قید مقدار + صفت در هر دو گونه دیده می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
20	xeʒli bavəfa باوفا خیلی Deg Adj	xeʒli bavəfa باوفا خیلی Deg Adj

۲۰- خیلی باوفا

## ۳- ۱۲- توالی فعل اصلی و فعل کمکی زمان- نمود

در کاربرد فعل کمکی «داشتن» که بیانگر نمود ناقص است، بین دو گونه رشت و لاهیجان تفاوت دیده می‌شود. در گونه رشتی برای بیان نمود ناقص حال و گذشته، سه صورت وجود دارد: کاربرد مصدر فعل پیش از فعل کمکی نمود ناقص (dəɾə)؛ کاربرد صورت صرف‌شده فعل اصلی پس از فعل کمکی نمود ناقص (kæɾə)؛ کاربرد همزمان دو فعل کمکی نمود ناقص یادشده پیش و پس از صورت مصدری فعل اصلی (kæɾə...dəɾə). این تنوع سه‌گانه در گیلکی لاهیجان به دو صورت تقلیل می‌یابد و تنها صورت‌های اول و سوم کاربرد دارند. استیلو (۲۰۰۱: ۶۶۳) نیز به این موضوع اشاره کرده‌است.

در فعل کمکی آینده‌ساز گیلکی اختلاف نظر وجود دارد. برخی منابع ساخت فعل زمان آینده را مشابه فعل زمان حال می‌دانند و به وجود فعل کمکی آینده‌ساز قائل نیستند (جهانگیری، ۱۳۹۴: ۳۶۸-۳۶۹؛ کریستن‌سن ۱۳۷۵: ۴۵). به باور راستارگویا (۲۰۱۲: ۱۴۰-۱۴۶) علاوه بر ساخت مذکور، نوعی ساخت آینده قیاسی نیز در گیلکی رشت وجود دارد که با



استفاده از صورت صرف‌شده فعل کمکی /xay-/ (/xaj-/) به علاوه مصدر فعل اصلی ساخته می‌شود. در این حالت صورت صرف‌شده فعل کمکی پیش از فعل اصلی واقع می‌شود. استیلو (۲۰۰۱: ۶۶۳-۶۶۵) معتقد است زمان آینده در هر دو گونه شرقی و غربی گیلکی به ترتیب با فعل کمکی /xan-/ و /xaj-/ با فعل اصلی ساخته می‌شود. وی با مثال نشان می‌دهد که در شکل‌گیری این ساخت در گونه شرقی، آنچه صرف می‌شود فعل اصلی است و فعل کمکی صرف‌نشده باقی می‌ماند اما در گونه غربی فعل کمکی صرف می‌شود و فعل اصلی در همه حال به صورت مصدری به کار می‌رود. اگر مطابق نظر استیلو (۲۰۰۱)، /xan-/ و /xaj-/ در این دو گونه را فعل کمکی آینده‌ساز در نظر بگیریم، داده‌ها نشان می‌دهد که گیلکی رشت و لاهیجان، هر دو آن را پیش از فعل اصلی به کار می‌برند. بنابراین این دو گونه زبانی در مورد فعل کمکی آینده‌ساز «خواستن»، رفتار رده‌شناختی مشابهی دارند اما در مورد فعل نمود ناقص «داشتن»، گیلکی رشت علاوه بر ترتیب فعل اصلی + فعل کمکی، امکان کاربرد همزمان فعل کمکی پیش و پس از فعل اصلی را نیز دارد. نتیجه اینکه در دو گونه لاهیجان و رشت هر دو ترتیب فعل کمکی و فعل اصلی مشاهده می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
21	mæ ?æ cetaβ-æ xa-j-em xandæn خواندن خواهم را-کتاب این من Aux V	mo ?i cotaβ-ə xæm xundæn خواندن خواهم را-کتاب این من Aux V
22	b) ?un ?æmun dæro دارد آمدن او V Aux c) ?u kærə ?ajo می‌آید دارد او Aux V	?u ?æmæ dær-ə دارد آمدن او V Aux
23	a) mæn ?æza xordæn dōbom داشتم خوردن غذا من V Aux b) mæn kæræ ?æza xordæn dōbun داشتم خوردن غذا داشتم من Aux V Aux	mo ?æza xordə dōbom داشتم خوردن غذا من V Aux
24	a) ?æli jo hæsen ?æmun dibid داشتم آمدن حسن و علی V Aux b) ?æli jo hæsen kæræ ?æmun dibid داشتم آمدن داشتم حسن و علی Aux V Aux	?æli jo hæsen ?æmæ dōbon داشتم آمدن حسن و علی V Aux

۲۱- من این کتاب را خواهم خواند.

۲۲- او دارد می‌آید.

۲۳- من داشتم غذا می‌خوردم.

۲۴- علی و حسن داشتند می‌آمدند.

### ۳- ۱۳- توالی ادات استفهام و جمله

بررسی نمونه‌های پیکره زبانی نشان می‌دهد که در این دو گونه زبانی ادات استفهام محذوف است، اما در صورت حضور، در ابتدای جمله قرار می‌گیرد. نکته در مثال (۲۶) کاربرد عنصر /ʃin/ در گونه رشت و /ʃ/ در گونه لاهیجان است که به اعتقاد استیلو (۲۰۰۲: ۶۶۲) عناصر فاقد معنایی هستند که در ساخت‌های ملکی به کار می‌روند.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
25	(æjæ) to ʒæza bəxordi خورده‌ای غذا تو (آیا) <b>Polar Clause</b>	(æjæ) to ʒəza bəxordi خورده‌ای غذا تو (آیا) <b>Polar Clause</b>
26	(æjæ) ʔæ citab hæəsən-ə ʃin-ə بودن ملکی غیرفاعلی حسن کتاب این (آیا) <b>Polar Clause</b>	(æjæ) ʔi cetab hæəsən-ə ʃ-ə بودن ملکی غیرفاعلی حسن کتاب این (آیا) <b>Polar Clause</b>

۲۵- آیا تو غذا خورده‌ای؟

۲۶- آیا این کتاب مال حسن است؟

### ۳- ۱۴- توالی پیرونیای بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند

داده‌ها نشان می‌دهد که در هر دو گونه پیرونیای بند قیدی (/væxti/ و /vəʔti/) پیش از بند قرار گرفته‌است.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
27	væxti ʔu xod məhsule نقش‌نما محصول ضمیرملکی مشترک او وقتی <b>Subord</b> keʃaværziʒe dorə bukude ʔæn-ə هست‌نما-او یکتد درو کشاورزی kar təmənə be می‌شود تمام کار <b>Clause</b>	vəʔti ʔu xo məhsulə dorow bokonə یکتد درو را-محصول ضمیرملکی مشترک او وقتی <b>Subord</b> ʔin-ə kar təməmə bənə می‌شود تمام کار هست‌نما-او <b>Clause</b>

۲۷- زمانی که او محصول کشاورزی خود را برداشت کند، کارش تمام می‌شود.

## ۳- ۱۵- توالی حرف تعریف و اسم

در دو گونه زبانی حرف تعریف نکره پیش از اسم قرار می‌گیرد. نشانه معرفه در گونه گیلکی لاهیجان، صفت‌های اشاره /i/ «این» و /u/ «آن» (جهانگیری، ۱۳۹۴: ۳۴۴)، و در گیلکی رشت ضمیر اشاره و شخصی /u/ «آن» (کریستن‌سن، ۱۳۷۴: ۸۳-۸۴) دانسته شده‌است که در هر دو گونه پیش از اسم به کار می‌روند.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
28	ʔitæ mærdæj مرد یک Art N	jektə mærdæj مرد یک Art N
29	ʔu mærdæj مرد آن Art N	ʔu mærdæj مرد آن Art N

۲۸- مردی

۲۹- آن مرد

## ۳- ۱۶- توالی فعل و فاعل

در هر دو گونه فاعل پیش از فعل قرار می‌گیرد:

	گونه رشت	گونه لاهیجان
30	ʔæli mædad-æ mæ ra fædæ داد به من را احمداد علی S V	ʔæli mædad-ə mæ hædæ داد من را احمداد علی S V

۳۰- علی مداد را به من داد.

## ۳- ۱۷- توالی عدد و اسم

در گیلکی رشت و لاهیجان عدد پیش از اسم واقع می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
31	ʔitæ mædad مداد یک Num N	jektə mædad مداد یک Num N
32	seta zænæj زن سه Num N	sotta zən زن سه Num N

۳۱- یک مداد

۳۲- سه زن

## ۳- ۱۸- توالی وند زمان-نمود و ستاک فعل

در دو گونهٔ زبانی، نشانهٔ استمرار در زمان حال و وند زمان - نمود ماضی نقلی مشاهده نشد. به اعتقاد استیلو (۲۰۰۲: ۶۶۵) در بیشتر گونه‌های گیلکی ساخت ماضی نقلی از بین رفته و نقش‌های آن به گذشتهٔ ساده واگذار شده‌است. ماضی بعید در این دو گونه با صورت‌های از فعل «بودن» (/buon/) که مطابق با شخص و شمار فاعل صرف می‌شوند ساخته می‌شود که پیش از ستاک قرار می‌گیرند.

	گونهٔ رشت	گونهٔ لاهیجان
33	xor-æm اش م خوردن -	xom-æm اش م خوردن -
34	nift-æm اش م نشست -	nift-æm اش م نشست -
35	niftə bom اش م بودن نشسته V I/A	niftə bom اش م بودن نشسته V I/A

۳۳- می‌خورم.

۳۴- نشسته‌ام.

۳۵- نشسته بودم.

### ۳- ۱۹- توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی

در هر دو گونه، تکواژ ملکی به صورت آزاد و در همه حال پیش از اسم واقع می‌شود.

	گونهٔ رشت	گونهٔ لاهیجان
36	ti catab ضمیر ملکی کتاب Poss N	ti cətab ضمیر ملکی کتاب Poss N
37	ʃimi mədad ضمیر ملکی مداد Poss N	ʃimi mədad ضمیر ملکی مداد Poss N

۳۶- کتابت

۳۷- مدادتان

### ۳- ۲۰- توالی فعل اصلی و فعل(های) کمکی در مفهوم «توانستن»

در هر دو گونه همواره فعل کمکی در مفهوم «توانستن» پیش از فعل اصلی به کار می‌رود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
38	tanæm boxosæm می‌توانم بخوایم Aux V	tinæm boxosæm می‌توانم بخوایم Aux V

۳۸- می‌توانم بخوایم.

### ۳-۲۱- توالی متمم‌نما و جمله متمم

در گیلکی رشت و گیلکی لاهیجان متمم‌نما پیش از جمله متمم قرار می‌گیرد.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
39	ʔu dæno ce ʔæ cətab mi jɪn-ɔ یودن حملگی من کتاب این که می‌داند او Comp S	ʔu domɔ ce ʔi cətab mi: ɔ-ɔ یودن حملگی من کتاب این که می‌داند او Comp S

۳۹- او می‌داند که این کتاب مال من است.

### ۳-۲۲- حرکت پرسشواژه

از نمونه‌های پیکره چنین برمی‌آید که در هر دو گونه، کاربرد پرسشواژه در جایگاه اصلی خود صورت پایه است، اما امکان حرکت آن به ابتدا یا دیگر جایگاه‌ها نیز وجود دارد.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
40	ʔæli koʒo buʔu رفتم کجا علی insitu	ʔæli ko buʔo رفتم کجا علی insitu

۴۰- علی کجا رفت؟

### ۳-۲۳- توالی مفعول و فعل

بر اساس شواهد پیکره زبانی، ترتیب مفعول و فعل در گیلکی رشت و گیلکی لاهیجان به صورت مفعول + فعل است، اما در مورد مفعول‌های بندی ترتیب عکس می‌شود (نک. مثال ۳۹).

	گونه رشت	گونه لاهیجان
41	hæsæn mədado fədæ mi piʔæɔ یه پدر من داد راجداد حسن O V	hæsæn mədado hədæ mi piʔɔɔ یه پدر من داد راجداد حسن O V

۴۱- حسن مداد را به پدرم داد.

## ۳-۲۴- توالی وند منفی ساز و ستاک فعل

در دو گونهٔ زبانی، وند منفی‌ساز پیش از ستاک فعل واقع می‌شود.

	گونه رشت	گونه لاهیجان
42	na-xondid نخواندید Neg V	no-xondin نخواندید Neg V

۴۲- نخواندید.

در مطالعات رده‌شناختی، معمولاً به موضوع همبستگی<sup>۱</sup>های مؤلفه‌های بیست و چهارگانه اشاره می‌شود. به نظر دبیرمقدم به نقل از درایر (۱۹۹۲) هر یک از این همبستگی‌ها ترتیب رخداد یک جفت مؤلفه  $x$  و  $y$  را با ترتیب رخداد «فعل» نسبت به «مفعول» به لحاظ آماری نشان می‌دهد که «جفت همبستگی»<sup>۲</sup> نامیده می‌شود. در این جفت همبستگی  $x$  هم‌الگو با فعل و  $y$  هم‌الگو با مفعول است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۱۹؛ نقل از درایر، ۱۹۹۲: ۸۲). برای مثال جفت «حرف‌اضافه (پیش‌اضافه و پس‌اضافه) و گروه اسمی» جفت همبستگی است زیرا زبان‌هایی که ترتیب «مفعول-فعل» یا  $OV$  دارند، تمایل به استفاده از پس‌اضافه و زبان‌هایی که ترتیب «فعل-مفعول» یا  $VO$  دارند، تمایل به استفاده از پیش‌اضافه دارند (همان‌جا). چگونگی تبیین این همبستگی‌ها در نظریه‌ها متفاوت است. از جملهٔ این نظریه‌ها، نظریهٔ هسته-وابسته<sup>۳</sup> است که دو نوع زبان هسته‌پایانی و هسته‌آغازی از هم متمایز می‌کند ولی به دلیل عدم وجود اجماع در تشخیص هسته و وابسته در یک گروه بین زبان‌شناسان، منتقدانی نیز دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۱؛ نقل از درایر، ۱۹۹۲: ۸۷-۸۹). به همین دلیل درایر نظریهٔ جایگزینی با عنوان «نظریهٔ سوی انشعاب» را پیشنهاد کرده‌است؛ سازه‌های هم‌الگو با فعل «مقولهٔ غیر گروهی» (غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول «مقوله‌های گروهی» (انشعابی) هستند (نک. دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۲۲؛ نقل از درایر، ۱۹۹۲: ۸۹-۹۰).

جدول شمارهٔ ۳-۱ تحلیل مؤلفه‌های سنجش ترتیب واژه‌ها از منظر فعل‌پایانی یا فعل‌میانی بودن در دو درجهٔ ضعیف و قوی را در دو گونه از زبان گیلکی و نیز وضعیت آنها در مقایسه با زبان‌های اروپا و آسیا نشان می‌دهد. ملاک تعیین ویژگی‌های فعل‌پایانی و فعل‌میانی

1. correlation
2. correlation pair
3. Head-Dependent Theory

در دو درجه قوی و ضعیف برای گونه‌های غربی و شرقی زبان گیلکی، آمار ارائه شده در مقاله درایر (۱۹۹۲) و تحلیل‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) بوده است.

**جدول شماره ۳-۱ مؤلفه‌های وضعیت ترتیب واژه‌ها در گیلکی گونه رشت و گونه لاهیجان در مقایسه با زبان‌های**

**اروپا-آسیا**

\*- گیلکی لاهیجان، ▲- گیلکی رشت

مؤلفه رده	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	جمع	
فعل پایانی قوی	*																									۱۵
فعل پایانی ضعیف																										۱۰
فعل میانی ضعیف																										۱۰
فعل میانی قوی																										۱۵

داده‌های پژوهش نشان می‌دهند که در گیلکی فعل پس از فاعل و مفعول قرار می‌گیرد و دو گونه غربی و شرقی از این نظر تفاوتی ندارند و فعل پایانی تلقی می‌شوند. با وجود این، براساس جدول ۴-۱، بر مبنای جفت‌های همبستگی، گیلکی رشت و لاهیجان با رفتاری مشابه، تنها نیمی از ویژگی‌های زبان‌های فعل پایانی قوی (۱۵ مورد) را دارند و نیمی دیگر از ویژگی‌های آنها (۱۵ مورد) با زبان‌های فعل میانی قوی مطابقت دارد. تعداد مؤلفه‌های زبان‌های فعل پایانی ضعیف (۱۰ مورد) و فعل میانی ضعیف (۱۰ مورد) نیز در گیلکی رشت و لاهیجان یکسان است.

**۴- نتیجه‌گیری**

براساس تحلیل‌ها در ۲۴ مؤلفه می‌توان توصیفی از ترتیب واژه‌ها در دو گونه زبان گیلکی به دست داد. جدول ۴-۱ جمع‌بندی نتایج تحلیل داده‌های دو گونه از گیلکی را نشان می‌دهد.

## جدول ۴-۱ مؤلفه‌های بیست و چهارگانه سنجش چگونگی ترتیب‌واژه‌ها در گیلکی رشت و گیلکی لاهیجان

۱	رشت	NP PP PP NP	۱۳	رشت	Clause Polar
	لاهیجان	PP NP / PP NP		لاهیجان	Clause Polar
۲	رشت	NP Rel	۱۴	رشت	Subord Clause
	لاهیجان	NP Rel		لاهیجان	Subord Clause
۳	رشت	G N	۱۵	رشت	Art N
	لاهیجان	G N		لاهیجان	Art N
۴	رشت	St M Adj	۱۶	رشت	S V
	لاهیجان	St M Adj		لاهیجان	S V
۵	رشت	PP V	۱۷	رشت	Num N
	لاهیجان	PP V		لاهیجان	Num N
۶	رشت	V Adv	۱۸	رشت	- / V T/A
	لاهیجان	V Adv		لاهیجان	- / V T/A
۷	رشت	Pred Cop	۱۹	رشت	Poss N
	لاهیجان	Pred Cop		لاهیجان	Poss N
۸	رشت	want V	۲۰	رشت	Aux V
	لاهیجان	want V		لاهیجان	Aux V
۹	رشت	Adj N	۲۱	رشت	Comp S
	لاهیجان	Adj N		لاهیجان	Comp S
۱۰	رشت	Dem N	۲۲	رشت	Insitu
	لاهیجان	Dem N		لاهیجان	Insitu
۱۱	رشت	Deg Adj	۲۳	رشت	O V
	لاهیجان	Deg Adj		لاهیجان	O V
۱۲	رشت	Aux V/V Aux	۲۴	رشت	Neg V
	لاهیجان	Aux V/V Aux		لاهیجان	Neg V

از جدول ۴-۱ برمی‌آید که گونه غربی و شرقی گیلکی از نظر مؤلفه‌های بیست و چهارگانه در این تفاوت معناداری ندارد، هرچند تحلیل داده‌های زبانی این دو گونه در برخی موارد حاکی از گرایش‌های مختلفی در کاربرد بعضی عناصر است.

از میان مؤلفه‌ها، دو گونه زبانی در سه مؤلفه زیر تفاوت‌هایی دارند:

- مؤلفه ۱: نوع حرف اضافه
- مؤلفه ۴: توالی صفت و مبنای مقایسه
- مؤلفه ۱۲: فعل اصلی و فعل کمکی زمان-نمود

در مؤلفه نخست، گیلکی رشت و لاهیجان در میزان کاربرد برخی حروف اضافه قرض گرفته شده از فارسی تفاوت نشان می‌دهند. این تفاوت در حرف اضافه «از» /pæz/ فارسی و معادل گویشی آن /dʒæ/ نمود بیشتری دارد به طوری که براساس شواهد، گیلکی لاهیجان و رشت به ترتیب تمایل بیشتری به کاربرد پیش‌اضافه /pæz/ و پس‌اضافه /dʒæ/ دارند. تفاوت



دو گونه در مؤلفه چهارم نیز به تفاوت آن دو در مؤلفه نخست و کاربرد پیش‌اضافه /pæz/ در گونه لاهیجان و پس‌اضافه /dʒæ/ در گونه رشت مربوط می‌شود. در خصوص مؤلفه دوازدهم دیدیم که دو گونه، تفاوت‌هایی در کاربرد فعل کمکی نمود ناقص نشان می‌دهند.

با توجه به اینکه در دو گونه غربی و شرقی زبان گیلکی، فعل پس از فاعل و مفعول قرار می‌گیرد به نظر می‌رسد که این دو گونه زبانی فعل‌پایانی باشند اما براساس معیارهای درایر (۱۹۹۲) دو گونه زبانی به طور یکسان از ویژگی‌های فعل‌پایانی قوی (۱۵ مورد) و فعل میانی قوی (۱۵ مورد) و نیز ویژگی‌های فعل‌پایانی ضعیف (۱۰ مورد) و فعل میانی ضعیف (۱۰ مورد) برخوردارند. به همین دلیل امکان تصمیم‌گیری در خصوص تعیین نوع زبان براساس این معیارها دشوار است.

یافته‌های پژوهش حاکی است که ریشه تفاوت محسوس دو گونه را باید نه در الگوهای ترتیب واژه، که در ساخت‌واژه و انتخاب‌های واژگانی گاه متفاوت آنها جست‌وجو کرد.

## منابع

- جهانگیری، ن. ۱۳۹۴. زبان گیلکی (گویش لاهیجان): واژه‌نامه و پاره‌ای ویژگی‌های آوایی و ساخت‌واژه‌ای. رشت: فرهنگ ایلیا.
- چهارسوقی امین، ت. ۱۳۹۴. «بررسی رده‌شناختی زبان گیلکی بیه‌پسی براساس مؤلفه‌های بیست‌وچهارگانه»، فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی. ۵ (۳): ۲۹-۵۶.
- دبیرمقدم، م. ۱۳۹۲. رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سمت.
- کریستن‌سن، آ. ۱۳۷۴. گویش گیلکی رشت. ترجمه و تحشیه ج. خمایی‌زاده. تهران: سروش.
- واحدی لنگرودی، م. ۱۳۸۱. «ترتیب اصلی کلمات در جملات ساده و جفت‌های همبستگی در گویش گیلکی لنگرود». پژوهش ادبیات معاصر جهان. (۱۳): ۱۵۱-۱۷۶.
- یارشاطر، ا. ۱۳۳۶. «زبان‌ها و لهجه‌های ایرانی». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران. ۵ (۲۱): ۱۱-۴۸.
- Dabir Moghaddam, Mohammad. 2001. "Word Order Typology of Iranian Languages". *The International Journal of Humanities*. Volume 8. Issue 2. Pp. 17-23.
- Dryer, Matthew S. 1992. "The Greenbergian Word Order Correlations". *Language*. 68. Pp. 81-138.
- \_\_\_\_\_. 2005a. "Order of Subject, Object, and Verb". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, Gil, and Bernard Comrie. Oxford University Press. Pp. 330-333.

- \_\_\_\_\_.2005b. "Order of Subject and Verb", *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp.334-337.
- \_\_\_\_\_.2005c. "Relationship Between the Order of Object and Verb and the Order of Adposition and Noun Phrase". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 386-389.
- \_\_\_\_\_.2005d. "Relationship Between the Order of Object and Verb and the Order of Relative Clause and Noun" .*The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie Oxford University Press. Pp. 390-393.
- \_\_\_\_\_.2005f. "Order of Adposition and Noun Phrase". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 346-3.
- \_\_\_\_\_.2005g. "Order of Genitive and Noun". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 350-353.
- \_\_\_\_\_.2005h. "Order of Adjective and Noun". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 354-357.
- \_\_\_\_\_.2005i. "Order of Demonstrative and Noun". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 358-361.
- \_\_\_\_\_.2005j. "Order of Numeral and Noun". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 362-365.
- \_\_\_\_\_.2005k. "Order of Degree Word and Adjective". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 370-373.
- \_\_\_\_\_.2005l. "Position of Polar Question Particles". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath,Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 374-377.
- \_\_\_\_\_.2005m. "Position of Interrogative Phrases in Content Questions". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie .Oxford University Press. Pp. 378-381.
- \_\_\_\_\_.2005n. "Order of Adverbial Subordinator and Clause". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew S. Drayer, David Gil, and Bernard Comrie. Oxford University Press. Pp.382-385.
- \_\_\_\_\_.2007. *Language Typology and Syntactic Description*. Vol. 1: Clause structure.Cambridge University Press. Edited by Timothy Shopen.

- Dryer, Matthew. S with Orin D.Gensler .2005e. "Order of Object ,Oblique and Verb". *The World Atlas of Language Structures*. Edited by Martin Haspelmath, Matthew Drayer, David Gil, and Bernard Comrie. Oxford University Press. Pp. 342- 345.
- Givon, T.2001. *Syntax*. Vol 1.Amesterdam and Philadelphia: John Benjamins.
- Greenberg, Joseph H. 1963. *Some Universals of Grammar with Particular Reference to The Order of Meaningful Elements*. In Joseph Greenberg (ed.), *Universals of Language*. Cambridge, MA: MIT Press, 73-113.
- Hawkins, John A. 1983. *Word Order Universals*. New York: Academic Press.1984. Modifier- head or function– argument relations in phrase structure? *Lingua* 63, 38-107.
- Rastorgueva V. S. et al. (2012). *The Gilaki Language*1. English translation editing and extended content by Ronald M. Lockwood. Uppsala University.
- Stilo, Donald. 2001. "[Gilan] Languages", *Encyclopaedia Iranica*. Edited by Ehsan Yarshater . NEW york: Bibliotheca persica press. Vol. x, Fasc. 6, P.667.